

وطن و جامعه خود را بشناسیم!

جریده پرچم

شماره چهل و ششم دوشنبه ۱۴ دلو ۱۳۴۷



تایپ کامپیوتری از ع . ق . فضلی

ظلم فئودالی، عقب ماندگی اقتصادی و فرهنگی و تفتین استعماری، سالیان متمادی مانع آن گردید که تئوری مترقی در وطن ما گسترش یابد. تنها پس از چندین ده سال تحمل رنج و مشقت است که اکنون افغانها راه نو آموزی و خود آموزی را می پیمایند و علی رغم تعقیب و دشمنی وحشیانه نیروهای ارتجاعی به مطالعه تئوری مترقی میپردازند.

تجربه پیشروان دنیای نوین نشان داد که واقعاً «بدون تئوری انقلابی، نهضت انقلابی نیز نمی تواند وجود داشته باشد» و «نقش یک مبارز پیش آهنگ را فقط حزبی میتواند ایفاء کند که با تئوری مترقی رهبری شود» و یا به عبارت عام تر، این تئوری است که رهنمای عمل قرار میگیرد.

از اینجا است که یکی از وظایف جدی ما، یعنی فرا گرفتن تئوری پیشرو و آموختن جهانی بینی علمی مطرح میگردد. هیچ عنصر انقلابی نمیتواند در اهمیت این وظیفه تردیدی بخود راه دهد، زیرا جهانی بینی علمی زحمتکشان، ایدئولوژی سوسیالیزم علمی محصول دوران تاریخی نوین است و بصورت روز افزون بر عقول و اذهان بشریت مترقی نفوذ کرده و از بوته آزمایش تاریخی برآمده است. بهمین جهت است که اکنون در کشور ما نیز حتی ارگانها و «احزاب» نو تشکیل دست راستی و به اصطلاح «وسط و چپ نما» نام «سوسیالیزم» را در مرامنامه های خود می گنجانند در حالیکه دیروز بردن نام آن «کفر» تلقی میگردید.

این تلقیات نوین چرا؟ بدین مناسبت که اساساً همه راه های دیگر آزمایش شده و همه به عدم موفقیت منجر گردیده است و تعالیم و مکاتب قدیم بورژوائی نتوانستند و اصولاً نمیتوانند به مسایلی که زندگی مطرح میسازد جواب علمی بدهند. معهذا اگر ارتجاع داخلی و امپریالیستی این حقیقت را نمی پذیرند و میخواهند با دروغ و افترا اندیشه های عالییه سوسیالیزم علمی را لکه دار سازند و از سرمایه داری دفاع کنند، ازین روست که نمی خواهند سرنگون شوند.

برای توده های وسیع خلق قبول و آموختن جهانی بینی علمی زحمتکشان و قبول ایدئولوژی پیشرو عصر ما بمثابة اسلحه و قطب نمای نجات بخش میباشد، اما برای دار و دسته محافل حاکمه ارتجاعی کشور ما چیزی هلاکت بار و غیر قابل تصور است.

ولی باید در نظر داشت که آموختن جهان بینی علمی زحمتکشان هیچگاه بمعنی از بر کردن و قرائت اصول کلی آن و ساده کردن موضوعات پیچیده و اعتقاد جامد، خشک و مجرد به قوانین عام آن نیست. چنین آموزش نه تنها نمیتواند برای پیکار جویان رهنمای عمل جنبش انقلابی باشد، بلکه در بسا موارد جنبش از آن لطمه های سنگینی می بردارد. وظیفه عناصر پیشرو و مترقی اینست که قوانین مشخص

تایپ کامپیوتری از ع. ق. فضل

جامعه خویش را درک نمایند و اصول و احکام کلی جهان بینی علمی بر شرایط عینی وطن خود تطابق دهند. اشتباه عظیم خواهد بود اگر نقل قولها و فورمول های حفظ شده، اندرز و نسخه های از اصول کلی جهان بینی علمی و یک شکل واحد رشد و انتقال این و آن کشور معین سوسیالیستی و جنبش کارگری و سوسیالیزم نوشت و آنرا برای هر زمان و مکان مطلق ساخت و مفید تلقی کرد. «کسیکه میخواهد برای کارگران نسخه ای از خود اختراع کند که برای کلیه موارد زندگی، تصمیمات قبلاً حاضر و آماده ایرا در بر داشته باشد . . . وی را باید صاف و ساده شارلتان نامید» (بیماری کودکی . . .).

جهان بینی علمی خلاق میگوید که باید راه های نامنکشف هر کشور را خود عناصر پیشرو و ترقیخواه آن کشور توأم با استفاده از قوانین عام تئوری تکامل اجتماعی کشف کنند و مبنای آن نسخه علاج آنرا بنویسند، تمایزات و خصوصیات اجتماعی، ملی و دولتی خود را در شیوه های مشخص کشور خود تحقیق، بررسی تفحص و درک کنند.

برای ایفای این مأموریت تاریخی است که ما باید اولتر از همه به تحقیق و مطالعه همه جانبه خصوصیات وطن و جامعه ملی خود بپردازیم؛ زیرا «وطن که عبارت از محیط معین سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است، نیرومند ترین عامل در مبارزه طبقاتی زحمتکشانش می باشد».

ازینرو بدون شناخت وطن نمیتوان به پیروزی در مبارزه طبقاتی نایل آمد. شناسائی جامعه و وطن باید در جهات مختلف اعم از شرایط اقتصادی، اجتماعی، نیروهای تولیدی، طبقات اجتماعی، خصوصیات فیودالی، ترکیب ملی، محلی، قومی، نژادی، قبیله‌ای، دولتی، قوانین، اخلاق، مذهب، فرهنگ و هنر، آداب و رسوم، عنعنات و سنن و مبارزات مردم ما، صورت گیرد؛ که البته این امر بدون مطالعه عمیق تاریخ و جامعه شناسی کشور امکان پذیر نیست. ولی باید بکمال تأسف اظهار داشت که تاکنون عده زیادی از مبارزان پیشرو ما در باره تاریخ و جغرافیای «سیاسی، بشری، اقتصادی و طبیعی» کشور، در باره خصوصیات جامعه افغانی که در آن زندگی میکنند، معلومات درستی ندارند و در نتیجه نمیتوانند تعالیم جهان بینی علمی و انقلابی را با وضع خاص اجتماعی - اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور وفق دهند و آنرا به شناخت ملت ما مقرون سازند.

باید توجه کرد که اگر فراگرفتن اصول جهانبینی علمی سهل است، ولی تطبیق آن در شرایط کشور بسیار مشکل و پیچیده است که اشتباهات یکعده از عناصر و محافل مترقی از همین جا ناشی است.

تایپ کامپیوتری از ع . ق . فضلی

افغانستان یکی از قدیم ترین و خاصترین کشورهاست در قلب آسیا. تاریخ و ترکیب ملی وطن ما معلق و پیچیده است. خصوصیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، سوابق نفوذ استعمار، سلطه دولت های مرکزی و محلی فئودالی، پیوند و روابط تاریخی کشورهای همجوار با خلق و تاریخ کشور ما همه و همه مسایلی اند که بدون مطالعه دقیق تاریخ و بدون معرفت با خصوصیات مزبور نمیتوان قوانین خاص رشد تکامل آینده افغانستان را کشف کرد.

درین زمینه دیگر باید تنبلی و رخوت را کنار گذاشت و باید وطن را از منطقه به منطقه، از سر تا سر از دیروز و امروز بصورت عمیق و همه جانبه مطالعه کرد و آن را شناخت.

به تاریخ پرافتخار و کهنسال وطن و سنن مبارزات خلق کشور آشنائی پیدا نمود و سرانجام پیوند خود را با تاریخ جدید، با جریان حوادث روزمره، تحولات و تغییرات اوضاع وطن و نهضت نوین رهائی بخش کشور تأمین کرد و در نتیجه تشخیص داد که بر اساس اصول و احکام جهان بینی علمی زحمتکشان، و انطباق خلاق آن در شرایط وطن و جامعه ملی ما میتوان علماً پالیسی عمومی و جاری خود را تنظیم و شعارهای روزمره مبارزه و جنبش را صحیحاً استخراج کرد؛ راههای نامنکشف را کشف نمود و در نتیجه تشخیص داد که در شرایط کنونی «خلق» کیست و «دشمن» کدام است، وطن چیست و دشمنان و دوستان وطن ما کیاند، نبض رشد و تکامل آینده افغانستان در کجاست و راه علاج چیست؟

مؤجز اینکه مبارزان پیشرو ما باید:

- مقدم بر همه اصول خلاق جهان بینی علمی را فرا گیرند، زیرا بدون در دست داشتن این قطب نما، پیروزی مبارزه رهائی بخش ملی و اجتماعی ما ممکن نیست.

- باید همت گماشت تا اصول فوق را در شرایط وطن و جامعه ما انطباق داد. برای نیل به این آرمان باید کوشید تا وطن و جامعه خود را همه جانبه بشناسیم و آگاهی و معلومات خود را در باره اوضاع و احوال مشخص ملی ارتقا دهیم و پیوسته با جریان تغییرات و تحولات جامعه خود پیوند داشته باشیم.

با انجام این وظایف و شرکت عملی در مبارزه روزمره اجتماعی است که میتوان افتخار نام مبارز پیش آهنگ را کسب نمود و در جنبش رهائی بخش دموکراتیک ملی و مترقی کشور نقش شایسته ای را ایفاء کرد.

اول دسامبر ۲۰۱۷